



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

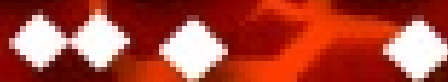
گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نایبہ



صادق سجادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بایه

نویسنده:

صادق سجادی

ناشر چاپی:

دایره المعارف بزرگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بابیه
۶	مشخصات کتاب
۶	فرقه بابیه
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بایبه

مشخصات کتاب

عنوان: بایبه

عنوان دایره المعارف: دایره المعارف بزرگ اسلامی

پدیدآورنده: صادق سجادی

تعداد صفحه: ۳۳-۳۷

شماره جلد: ۱۱

زبان: فارسی

موضوع:

ملاحظات: فرقه‌ای دینی که در قرن سیزده قمری به دست سید علی محمد شیرازی در ایران پدید آمد. او در آغاز خود را باب امام غائب می‌دانست و پس از مدتی ادعای مهدویت نمود. پیچیدگی و ابهامی که در سخنان وی وجود دارد دامنه گسترده‌ای برای تأویل آن پدید می‌آورد. کتاب «بیان» مهمترین اثر او در بردارنده عقاید و آراء فرقه بایبه است.

فرقه بایبه

بایبه، فرقه‌ای دینی که در نیمه دوم سده ۱۳ق/۱۹م به دست سید علی محمد شیرازی (محرّم ۱۲۳۵ - شعبان ۱۲۶۶/نوامبر ۱۸۱۹- ژوئیه ۱۸۵۰) در ایران پدید آمد. علی محمد شیرازی که در آغاز خود را «باب» امام غایب می‌دانست - و مریدانش به همین سبب بایبه نامید شده‌اند - پس از چندی، خود را حجت و مهدی موعود خواند و آنگاه شریعتی نونهاد و سخنانی گفت و نوشت که بی‌شبهت به دعوی الوهیت نیست. منشأ برخی عقاید و دعویهای او را باید در بعضی عقاید اسماعیلیه و صوفیه و نقطویه و به ویژه آراء شیخ احمد احسایی (ه م)، و شاگرد و جانشین او سید کاظم رشتی جست و جو کرد (کسروی، ۱۲-۱۴؛ صبحی، ۴۷). گرچه جانشینان سید کاظم و شیخیه پس از او، به ویژه شاخه کریم خانی به کلی از عقاید بایبه بیزاری می‌جویند و از سرسخت‌ترین مخالفان این گروه و فرق منشعب از آن به شمار می‌روند (مثلاً نک: کرمانی، محمد کریم، ۲-۴؛ کاشانی، ۱۱)، ولی عقاید ایشان راه علی - محمد را در طرح چنان ادعاهایی هموار ساخت. مثلاً آنان معتقد بودند که امامان اثنا عشر مظاهر الهی، و دارای صفات و نعوت باریند و علل اربعه موجودات و مشیت خدا و دست خدا در اجرای جمیع امور وجودیه و کونیه و شرعیه به شمار می‌روند؛ و در عصر غیبت به مقتضای حکمت و رحمت کامله خدا همواره کسی حضور دارد که بلا واسطه با امام غایب مرتبط بوده، و واسطه فیض میان امام و امت باشد؛ یا به طور مثال عقاید دیگری که سپس توسط میرزا محمد کریم خان کرمانی به صورت ۴ رکن یا اصل، تبویب و تبیین شد، یعنی معرفت خدا (توحید)، معرفت نبی (نبوت)، معرفت امام (امامت)، و معرفت شیعه کامل یا رکن رابع که همان باب یا واسطه فیض است، دست‌مایه خوبی برای دعویهای وی گردید (همو، ۱۳-۱۶؛ براون، «یح - یط»؛ صبحی، همانجا؛ میرزاجانی، ۸۶)، خاصه که شاگردان احسایی و سید کاظم و سپس بایبه، این دو را همان شیعه کامل و «باب» و رکن رابع می‌دانستند که ظهور امام غایب را نزدیک دانسته، مردم را به قرب ظهورش بشارت می‌دادند (کسروی، ۲۰؛ میرزاجانی، ۹۸-۱۰۳؛ صبحی، ۴-۵؛ «مجمل...»، ۴-۵؛ زرندی، ۳، ۶، ۷، ۱۲). به هر حال، درباره احوال علی محمد پیش از دعوی بابت اطلاع وسیع و دقیقی در دست نیست، جز آنکه معلوم است مدتی در آغاز جوانی در صفحات جنوب ایران به تجارت مشغول بوده، و سپس به نجف رفته، و نزد سید کاظم شاگردی کرده، و با عقاید او خوگر شده است. البته بایبان، منکر شاگردی او نزد سید کاظمند تا او را «امّی» قلمداد کنند

(نک: میرزاجانی، ۱۱۰؛ حقایقی...، ۵۴؛ کاشانی، ۱۰-۱۱). پس از مرگ سید کاظم (۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م) که برخلاف شیخ احمد احسائی، جانشینی برای خود تعیین نکرد، علی محمد بی درنگ مدعی بابت شد (میرزاجانی کاشانی از بایان نخستین، مرتبه او را «بابت مخصوصه آثاری» - نه منصوبه - خوانده است) و گروهی از شیخیه نیز به او گرویدند (میرزاجانی، ۱۰۶؛ کسروی، ۲۲؛ صبحی، ۴۷-۴۸؛ نیز نک: سمندر، ۱۸، جم)؛ اما اندکی بعد در ۱۲۶۰ق علی محمد دعوی گران تری کرد و خود را قائم منتظر خواند. ظاهراً نخستین گروندگان به او را شیخان متعصبی تشکیل می دادند که بنابر آموزه‌های شیخ احمد و سید کاظم منتظر ظهور امام بودند، کسانی مانند ملاحسین بشرویه‌ای که در مسجد کوفه در انتظار ظهور اعتکاف گزیده بود و چون خبر به او رسید، نزد علی محمد رفت و با او گفت و گو کرد و دعویش را پذیرفت. علی محمد نیز او را «باب» خواند و برای دعوت به خراسان فرستاد تا مردم را گرد آورد و با درفشهای سیاه خروج کنند. علی محمد خود نیز برای اینکه به مقتضای حدیثی که می گوید: امام زمان از مکه ظهور خواهد کرد و رایاتش از خراسان بیرون می آید، روی به حجاز نهاد، ولی در آنجا دلیری طرح دعوی نیافت و به بوشهر بازگشت. بایان معتقدند که وی در مکه «اظهار امر» کرد و به شریف مکه و شاه ایران و امپراتور عثمانی نامه نوشت و آنها را به اطاعت خواند (روحانی، ۳۷؛ حقایقی، ۵۷؛ گلپایگانی، رسائل...، ۹۴؛ نیز نک: کسروی، ۲۲-۲۳). در ایامی که علی محمد در مکه بود، بر اثر فعالیت ملاحسین و دیگر گروندگان، کار او شهرتی گرفت و از این رو، چون به ایران بازگشت، بی درنگ دستگیر شد و علما در شیراز مجلسی آراستند و او را در معرض امتحان آوردند. اعتضادالسلطنه آورده است که وی در این مجلس صریحاً نوشته‌های خود را وحی الهی، و افسح از قرآن (مثلاً نک: علی محمد، بیان فارسی، ۵۴؛ تفتی، ۲۷۵-۲۷۷)، و دین خود را ناسخ اسلام دانست (اعتضادالسلطنه، ۱۶)؛ و چون نتوانست دعوی خود را اثبات کند و بلکه اطوار نابخردانه داشت، چوبش زدند و وی نیز بر سر منبر از آن دعوی توبه کرد و آنگاه همانجا بازداشت شد. مدتی بعد به سفارش و کوشش منوچهرخان معتمدالدوله گرگی، والی اصفهان، علی محمد وارد این شهر شد و چند ماهی به آسودگی سپری کرد تا والی مرد. آنگاه علمای اصفهان به دربارنامه نوشتند و خواهان تنبیه علی محمد شدند. حاج میرزا آقاسی که خود مشرب صوفیانه داشت و نمی‌خواست نسبت به این دعاوی سخت‌گیری کند، دستور داد او را به ماکو تبعید کنند (نامه حاجی میرزا آقاسی به علما در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی موجود است)، اما به درخواست وزیر مختار روس، کینیاژ دالگورکی - که از بروز آشوب در قفقاز بیم داشت - علی محمد را به قلعه چهریق در حدود اورمییه بردند (ایوانف، ۲۱۲-۲۱۳). بر اثر کوششهای بایانی چون ملاحسین بشرویه‌ای و ملا محمدعلی بارفروشی و سپس قره‌العین، کار باب بالا گرفت. آنگاه علاوه بر کسانی چون ملا عبدالخالق یزدی و ملاعلی اصغر مجتهد نیشابوری و ملا محمدتقی هراتی و ملا محمدعلی زنجانی، جمع قابل توجهی گرد آمده، آماده شورش گشتند. پس به دستور دولت علی محمد را به تبریز بردند و مجلسی تشکیل دادند و علما و از جمله چند تن از علمای شیخی با او به گفت و گو پرداختند. از گزارشی که ناصرالدین میرزای ولیعهد در این باره به محمدشاه نوشته، پیداست که علی محمد به رغم تکرار دعوی از پاسخ فروماند و در آخر هم خود را مسلمان و موحد و اهل ولایت ائمه خواند و توبه کرد و بخشایش خواست (هدایت، ۳۱۰-۳۱۲)؛ اعتضادالسلطنه، ۱۵-۱۷، ۲۰، ۲۳؛ کسروی، ۲۲-۳۱؛ نیرممقانی، ۲۴ بب؛ نیز نک: میرزاجانی، ۱۱۲-۱۳۸؛ مازندرانی، ۱۵؛ براون، «مواد...»، ۲۵۶، اصل توبه نامه که براون آن را چاپ کرده، در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورا موجود است؛ نیز نک: نوایی، ۱۳۱-۱۳۲؛ آیتی و دیگران، ۲-۳). اما قیام و آشوب مسلحانه‌ای که در خراسان، مازندران، فارس، زنجان و دیگر نقاط توسط بایان پدید آمد (مثلاً نک: همدانی، ۱۳۸-۱۲۸)، دولت مرکزی را به مقابله واداشت و آنان پس از چند جنگ خونین سرکوب گشتند و چند تن از سران بایبه کشته شدند و برخی به حبس افتادند. این آشوبها و بیم دولت از گسترش آن سبب شد تا به دستور دولت، علی محمد را باز از چهریق به تبریز بردند و همراه یکی از یارانش به نام محمدعلی زنوزی در ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ اعدام کردند (هدایت، ۴۲۸/۱۰-، ۴۳۳-۴۵۶؛ اعتضادالسلطنه، ۳۳-۷۳؛ ضیایی، ۱۶۲-۱۶۴؛ میرزا جانی، ۱۵۵-۱۷۴، ۲۴۱-۲۴۳؛ مالگیری، ۴-۱۸؛ کاشانی، ۵۶-۵۸؛ قس:

کسروی، ۳۱-۳۲). در برخی از منابع آمده است که باب را پیش از قتل در مجلسی حاضر کردند و چون دعوی خود را تکرار کرد، حکم به قتلش دادند (سپهر، ۳/۹۹-۱۰۰؛ زعیم‌الدوله، ۱۵۴-۱۶۲؛ میرزاجانی، ۲۴۵-۲۴۹). نویسنده‌ای بابتی بر آن است که حکم قتل علی محمد را امیر کبیر، بدون اجازه و خواست شاه صادر کرد (مقاله...، ۳۴-۳۵؛ متن فتوای علما در اعدام باب نیز در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورا موجود است). گوینو معتقد است که امیر کبیر می‌خواست بدون توسل به خشونت، بی‌پایگی ادعاهای علی محمد را روشن گرداند، ولی جریان امور و فتنه‌ای که بایبان به راه انداختند، کار را به اعدام او کشانید (ص ۲۳۱-۲۳۲). قطع نظر از انگیزه‌های علی محمد در دعوی بابت و مهدویت، از گزارشهای مختلف نویسندگان معاصر یا قریب به او برمی‌آید که گروهی، خاصه در شهرهای دور از مرکز حکومت به این حرکت ایمان آوردند و به آن گرویدند و بسیاری از آنان در عقاید خود استواری نشان دادند و به رغم جنگها و سرکوب شدیدی که در همان وقت و پس از آن نسبت به بایبه اعمال می‌شد، مقاومت کردند. بزرگ‌ترین انگیزه این گروه و پایداری را باید در وضع اجتماعی مردم ایران که سالیان دراز در معرض تجاوز و چپاول حاکمان مستبد و فاسد، و در فقر و نادانی روزگار می‌گذرانند، و نیز امید داشتن به یک منجی برای اصلاح امور، دید. پس شگفت نیست اگر برای رهایی از آن ستم و ریا به دامن هر کس که با هر انگیزه‌ای به مخالفت با قدرتهای رسمی برخیزد، چنگ زنند و نیازی هم به تفحص در چنان دعویهایی نبینند. آنگاه تنبیه و زجر و حبس علی محمد و ممانعت خلق از مواجهه با او و شنیدن دعویهایش، خاصه آن مجالس مناظره کم مایه با پرسشها و پاسخهای غیرقابل دفاع که در شیراز و تبریز درچیدند، هم به نوبه خود موجب شد تا آوازه این دعوی همه جا در پیچد و فردگرایی دیرینه عوام زنده گردد (نک: زعیم‌الدوله، ۱۳۰-۱۳۱؛ هدایت، ۱۰/۳۱۲، ۴۲۱؛ آیتی، ۱۴؛ کرمانی، زین‌العابدین، ۳-۴). ادامه برخی شورشها پس از قتل باب، به ویژه کوشش بایبان برای قتل ناصرالدین شاه هم مؤید این معنی است که این حرکت کم کم به نهضتی ضدحکومت بدل می‌شد؛ اما طرح ناموفق قتل شاه موجب شد تا سرکوب شدیدتری نسبت به بایبه اعمال گردد و بسیاری از سران آنان به قتل رسند و برخی زندانی شوند و گروهی به بغداد گریزند (اعتضادالسلطنه، ۷۹-۱۰۶؛ براون، «لح»؛ کسروی، ۳۲-۳۳). از این گریزندگان دو تن از همه مشهورتر شدند. یکی میرزا یحیی نوری که باب به او لقب صبح ازل داده بود و در اواخر سال ۱۲۶۸ یا اوایل ۱۲۶۹ق به بغداد رفت؛ دیگری برادر او میرزا حسینعلی نوری که چون در زندان بود، چند ماه دیرتر به بغداد رسید و معاون و کارگزار صبح ازل شد. میرزا یحیی که به گفته برخی بایبان نخستین، از سوی علی محمد به وصایت منصوب، و مأمور شده بود تا ابواب جدیدی به کتاب بیان علی محمد بیفزاید، در بغداد دستگاهی پدید آورد و ۱۰ سال در آنجا به ریاست و دعوت پرداخت، اما غالب امور را برادرش حسینعلی اداره می‌کرد. در این مدت شماری از بایبان دعوی کردند که «من یظهره الله» اند که باب بشارت ظهور او را داده بود. از آن سوی، نزاعهای میان مسلمانان و بایبان در بغداد موجب شد تا دولت عثمانی صبح ازل و بایبه را به استانبول، و سپس به ادرنه روانه کند و اینان ۵ سال (رجب ۱۲۸۰ تا ربیع‌الآخر ۱۲۸۵/دسامبر ۱۸۶۳ تا اوت ۱۸۶۸) در آنجا ماندند. در این دوره میرزا حسینعلی خود را «من یظهره الله» خواند و از برادر برید و دستگاهی دیگر پدید آورد و بسیاری از بایبان به او گرویدند. دولت عثمانی هم از بیم جنگ میان دو فرقه که سخت به دشمنی می‌پرداختند، میرزا یحیی و اتباعش را به قبرس، و میرزا حسینعلی و یارانش را به عکا تبعید کرد. میرزا یحیی از آن پس فعالیت چندانی نشان نداد و فشار و تبلیغات بهائیان اندک اندک او و یارانش را به فراموشی افکند. وی مطابق وصیت علی محمد، متمم بیان را در ۴۷ باب به فارسی نوشت. این متمم از باب ۱۱ از واحد ۹، یعنی از آنجا که علی محمد بیان را خاتمه داد، آغاز می‌گردد. اما حسینعلی که خود را بهاء‌الله می‌خواند، به فعالیت شدیدی دست زد و فرقه بهائیت را پدید آورد (میرزاجانی، ۲۴۴؛ براون، «لح» - مب؛ صبحی، ۴۴). عقاید و آثار: عمده عقاید و دعویهای علی محمد که غالباً مبهم و پیچیده هم هست، در دو کتاب بیان و دلائل سبعة او آمده است. وی که به پیروی از بنیان‌گذاران شیخیه، فیض الهی را در هدایت خلق تعطیل بردار نمی‌دانست، خود را مؤسس دوره جدید نبوت می‌خواند (نک: شاهرودی، مرآت...، ۱۲۱، برای آگاهی از نظر میرزا ابوالفضل گلپایگانی درباره نبوت باب،

نک: ۱۲۱-۱۲۵، «تنبيه...»، ۲۰۳ ب) و خاتمیت پیامبر اسلام (ص) را خاتمیت دوره نبوت سابقه می‌نامید، در کتاب بیان که آن را ناسخ قرآن می‌پنداشت (برای آگاهی از برخی پاسخها به این دعاوی، نک: همو، حق...، ۱۰۶-۱۱۰)، آورده که مراد از معرفت پروردگار، معرفت مظهر اوست و آنچه در مظاهر ظاهر می‌گردد، «مشیت» اوست که خالق هر چیزی است، این مشیت نقطه ظهور است و در هر دوری و کوری بر حسب آن دوره ظاهر می‌گردد. محمد (ص) نقطه «فرقان» است و علی محمد نقطه «بیان»، و هر دو یکینند. نقطه بیان عیناً همان آدم بدیع فطرت است. ظهورات را نه ابتدایی است، نه انتهایی؛ قبل از آدم (ع) هم عوالمی بوده است و پس از «من یظهره الله» هم ظهورات دیگر به طور بی‌نهایت خواهد بود. هر ظهوری اشرف از ظهور پیش و مشتمل بر آن است؛ و مشیت اولیه در هر ظهوری، اقوی و اکمل از ظهور قبل است (علی محمد، بیان عربی، ۳-۱۰، بیان فارسی، ۵۰، ۸۱-۸۲، دلائل...، ۲-۳؛ براون، «کا - کد»). مراد باب از این سخن آن است که وی موجودی «ازلی» است که در دورانهای مختلف به مظاهر و اطوار گوناگون ظاهر می‌شود و او همان آدم و نوح و ابراهیم و موسی (ع) و سایر پیامبران است. ظاهراً این عقیده، تأویلی است از یک حدیث منسوب به امام صادق (ع) که وی در دلائل سبعة (ص ۳-۴) آورده است، به این مضمون که «هر که خواهد در آدم و نوح و ابراهیم (ع) و... بنگرد، در من بنگرد.» بنابراین، علی محمد معتقد بود که نباید او را خاتم ظهورات مشیت اولیه و آخرین سلسله نبوتها دانست، بلکه وی ظهور کسی را که از او به «من یظهره الله» تعبیر می‌کرد، بشارت داده، و او را اشرف و اعظم از خود شمرده، و تصریح کرده است که کمال دین «بیان» در ظهور اوست؛ چه، «از یوم بعثت رسول الله (ص) تا یوم عروج او قیامت عیسی (ع) بود که شجره حقیقت در هیکل محمدیه ظاهر شد... و از حین ظهور شجره «بیان» الی ما یغرب، قیامت رسول الله (ص) است... و قیامت «بیان» در ظهور من یظهره الله است، زیرا امروز بیان در مقام نقطه است و اول ظهور من یظهره الله، آخر کمال «بیان» است...» (همو، بیان عربی، ۱۱ ب، بیان فارسی ۳۰ ب). از این گفته‌ها معلوم می‌شود که علی محمد خود را در ردیف پیامبران پیشین و بلکه اشرف از آنان دانسته است و از برخی سخنانش بیش از این هم برمی‌آید (مثلاً- نک: لوح...، ۵؛ میرزاجانی، ۲۴۴). وی در دلائل سبعة به صراحت دعوی مهدویت کرده است و مراتب و شئونی را برای امام زمان - که به عقیده او باید در پایان هر دور و کوری ظاهر گردد، و این ظهور الی ما لانهایه ادامه دارد - ثابت می‌داند. پیچیدگی و ابهام‌گریبی که در سخنان علی محمد وجود دارد، دامنه گسترده‌ای برای تأویل آن، پدید می‌آورد؛ ولی دعوی باییت و مهدویت او در منابع بایبه به صراحت تکرار، و بر آن تأکید شده است. میرزا جانی کاشانی آورده است که نشانه‌های «حجت و امام منتظر» که سید کاظم رشتی بیان کرده، همه بر علی محمد راست می‌آید و وی در آغاز مرتبه باییت مخصوصه آثاری داشت و در ۱۲۶۰ق خود را قائم و حجت خواند و باییت را به ملاحسین بشرویه‌ای تفویض کرد (ص ۱۰۲-۱۰۶؛ نیز نک: براون، «ک - کا»). مازندرانی تصریح کرده است که چون خلق به انواع حُجُب در احتجاب بودند، حکمت الهیه اقتضا داشت که به تدریج مردم را به درجات عرفانی ترقی دهد. پس در ابتدای امر به نام «باب» و عبد بقیة الله خود را معرفی کرد، در حالی که «لطیفه غیبیه در خلف هیکل منیر خودش پنهان بود». کاشانی همچنین به استناد برخی روایات، ایام غیبت کبری را هزار سال دانسته است تا دعوی علی محمد که هزار سال پس از غیبت کبری خود را مهدی خواند، راست بیاید (ص ۹۸-۹۹). برخی از بابیان و بهائیان یک شعر شلمغانی، معروف به ابن عزاقر، از متکلمان امامیه و معتمد حسین بن روح را که دعوی نبوت و الوهیت کرد و به قتل رسید (۳۲۲ق/۹۳۴م)، پیش‌بینی ظهور باب، یا میرزا حسینعلی دانسته‌اند (گلیایگانی، رسائل، ۴۱-۴۴). آثار متعددی در تفسیر و عقاید به علی محمد منسوب است. ظاهراً نخستین اثر او رساله العدلیه فی الفرائض الاسلامیه نام دارد که در کربلا تألیف شده است. علی محمد سپس کتاب الروح را در شیراز نوشت و در اصفهان هم رساله‌ها و تفاسیر برخی سوره قرآن مانند شرح سوره و العصر، فروع عدلیه و نبوت خاصه را پدید آورد. ظاهراً نخستین بار در تفسیر سوره یوسف دعوی خود را آشکارا نوشت. رساله‌ای هم به سبک صحیفه سجاده دارد (نک: زعیم الدوله، ۱۶۷). کتاب بیان که مهم‌ترین اثر اوست، به دو زبان عربی و فارسی پدید آمد و نسخه فارسی تا حدی شرح تحریر عربی است. این کتاب ناتمام ماند و علی محمد

تکمیل آن را به «من یتظهره الله»، و در آخر به میرزا یحیی صبح ازل حوالت داد و ازلیان هم از اینجا، او را همان «من یتظهره الله» می‌دانستند (نویسی، ۱۶۰-۱۶۴؛ آئین...، ۱۰-۱۲). آثاری که در زمان علی محمد، یا قریب به عهد او درباره بایه یا رد بر آنها نوشته شده، نیز بسیار است و شماری از آنها را بایان و بهائیان نیز معرفی کرده‌اند (مثلاً علایی، ۸-۱۰؛ گلپایگانی، کشف...، ۳-۵، ۱۵-۱۶). کهن‌ترین کتابی که در شرح زندگی علی محمد و تبیین عقاید او از سوی بایه نوشته شده، کتاب نقطه الکاف اثر میرزا جانی کاشانی است که یک نسخه از آن را ادوارد براون در مجموعه کُنت دو گوینو یافت و منتشر کرد (براون، مقدمه «تاریخ...»، ۳۷-۳۲؛ قس: گلپایگانی، همان، ۴۶، ۵۰-۵۵، ۱۶۵-۱۶۶)؛ اما بهائیان این کتاب را مجعول دانسته‌اند. از دیگر آثاری که در علل و عوامل دعوی باب در دست است و موجب گفت و گوها شد، کتابی است موسوم به یادداشتهای کیناز دالگورکی، از اعضای عالی رتبه، و سپس وزیر مختار روس در ایران که نویسنده در آنجا مدعی شده است در نجف در زی علما درآمده، و علی محمد را فریفته، و به طرح آن دعویها واداشته است (ص ۳۵ ب). افزون بر نشانه‌های جعل که در خود کتاب پیداست (مثلاً نک: ص ۶-۸، ۱۵، ۱۷، جم)، محققان نیز این اثر را به کلی ساختگی دانسته‌اند (آدمیت، ۴۵۶؛ قس: آیتی و دیگران، ۵۳-۶۰). به هر حال، از نخستین کسانی که به قضیه باب و فتنه بایان پرداختند، یکی ملامحمد مامقانی، مشهور به حجت الاسلام است که خود از علمای حاضر در مجلس مناظره تبریز بود و شرح ماجرا را تقریر نمود و پسرش محمدتقی نیرمقانی آن را تحت عنوان ناموس ناصری تدوین کرد؛ دیگر اعتضادالسلطنه است که در همان ایام می‌زیسته، و در کتاب المتنبین، فصلی را به باب و بایه اختصاص داده که حاوی نکات مهمی است (نک: «اعتضادالسلطنه...»، ۵۴ ب). سپهر نیز در مجلد قاجاریه ناسخ التواریخ (۳/۵۶-۷۵، ۸۹-۱۰۳)، دو سال پس از قتل باب، شرحی درباره او و بایه آورده است؛ هدایت هم در روضه الصفای ناصری بخشهایی را به دعوی باب و شورش بایان اختصاص داده است. علاوه بر اینها کتابی موسوم به مفتاح باب الابواب به زبان عربی در تاریخ باب و بها از محمد مهدی خان تبریزی در دست است که مندرجات آن را از قول جدش محمدتقی که در برخی مجالس مناظره و محاکمه باب شرکت داشته، ترتیب داده است. محمد مهدی زعیم‌الدوله تبریزی مدتی در عکا و قبرس با حسینعلی و میرزا یحیی مراد و مکاتبه داشته، و سخنانشان را شنیده، و هر دو را آزموده بوده است (زعیم‌الدوله، ۸-۹، ۱۲۱، ۳۰۲-۳۰۳؛ نویسی، ۱۲۴). وی کتاب دیگری هم به فارسی درباره بایه داشته است. از دیگر آثار قدیم درباره بایه باید به کتاب «مذاهب و فلسفه در آسیای میانه» اثر کنت دو گوینو (نک: مآخذ) سفیر فرانسه در تهران اشاره کرد که بخش مهمی از اطلاعات براون درباره باب و بایه مستند به اوست. رده‌هایی که بر باب و بایه نوشته شده، بسیار زیاد است. برخی از اقدم آن آثار اینهاست: کتاب ازهاق الباطل اثر حاجی محمدکریم خان کرمانی از سران بزرگ شیخیه و معاصر با محمدعلی. وی گویا کتاب دیگری هم در همین موضوع داشته است. پسر او حاجی محمدخان کرمانی هم ۳ رساله، از جمله الشمس المضيئه و تقویم العوج، در رد بر بایه و اثبات عقاید شیخیه نگاشت (گلپایگانی، کشف، ۵۳-۵۴؛ کرمانی، محمد، ۲-۳). حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی که در شورش بایان زنجان حضور داشته، ۴ رساله در رد بر آنها نوشته بوده است. ملاعبدالرسول مدنی کاشانی هم کتابی در رد بر بایه به نام الرد علی البایه و البهائیه نگاشت که حاوی عقاید و نظرات علمای شیعه درباره امام غایب (ع) و علامتهای ظهور در پاسخ به باب است (مثلاً نک: مدنی کاشانی، ۲۷-۳۸). کتاب السیف التتار فی دفع شبهات الکفار از عبدالله مامقانی، از رؤسای شیخیه (مثلاً نک: مدنی کاشانی، ۲۲-۳۸؛ درباره نبوت و امامت و صفات الهی در پاسخ به عقاید بایه) از جمله آثار قابل توجه در این زمینه است. همچنین باید از کتاب منهاج الطالبین از حاج حسین قلی جدیدالاسلام نام برد که به بررسی آراء بایه و صوفیه و معانی حروف - بحث موردتوجه بایه - پرداخته است (مثلاً نک: ص ۱۶-۱۷، ۲۰۳-۲۱۰)؛ همچنین رساله در رد بایه از میرزا یحیی ارومی که منتخبی است از اسرار العقاید (چ همراه اثر پیشین) از دیگر کهن‌ترین آثار در این زمینه است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

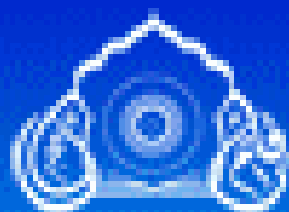
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

